



12 آگست 2022

داکتر سید عبدالله کاظم

تبصره بر چند نکته مهم مصاحبه اشرف غنی

این مصاحبه همه جانبه داکتر اشرف غنی رئیس جمهور سابق و یا فراری کشور اولین مصاحبه اوست که پس از گذشت یک سال از سقوط نظام جمهوری اسلامی و عروج طالبان بقدرت، از طریق شبکه نشراتی افغان (آی بی ان) بروز چهارشنبه 19 اسد 1401 ش (10 آگست 2022) به نشر رسید. در این مصاحبه که بیش از یک و نیم ساعت بطول انجامید، داکتر اشرف غنی به همه سؤلهای داؤد جنبش طوریکه لازم میدانست، جواب گفت و به جوانب مختلف موضوع روشنی انداخت. بعد از نشر مصاحبه محترم خوشحال اصفی در صفحه فیسبوک خود به مهمترین نکات آن اشاره نمود و نوشت:

«بخشی از سخنان محمد اشرف غنی :

- از خدا برای کرزی سکون، عقل و هدایت میخواهم.
- عبدالله مسؤل عدم تحکیم جمهوریت و خائن است.
- خلیل زاد احمق و بی کفایت است که ۹ روی دارد.
- امریکا با تعهدات خود وفا نکرد و از عمل شان معلوم میشد که قبلا آمادگی برگشت طالبان را به قدرت داشت.

- نیروهای امنیتی قربانی داد اما در تشکیل از ابتدای جمهوریت فساد وجود داشت.
- فصل نا تمام امان الله خان را نه داود خان، نه داکتر نجیب و نه من تمام توانستم اما، از جوانان میخواهم که فصل نا تمام من را تمام نمایند.
- من به بازسازی ساخته شده ام نه به جنگ و بربادی.
- من به سیاست بازاری ساخته نشده ام و نیاز ندارم که از کسی معذرت بخواهم.
- به شیوه فعلی حکومتداری، طالبان دوام نخواهد کرد.
- سفارت پاکستان در مقرری های مسؤلین حکومت طالبان دخیل است.»

با ملاحظه نکات فوق ضمن تبصره های دیگر، اینجانب نیز متعاقب آن چند تبصره را جهت توضیح نکات فوق در آن صفحه نوشتم که ذیلاً متن آنرا خدمت علاقمندان این پورتال وزین تقدیم میدارم:

جای شک نیست که اشرف غنی در مقام و موقف خود مسئولیت دارد، اما آنچه را او بیان کرده است، هریک آن یک فصل از یک کتاب میباشد که باید به رویت اسناد مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد. اینجانب در بتاريخ 30 آگست 2021 که فقط دو هفته از سقوط جمهوری و ورود طالبان به کابل گذشته بود، مقاله نوشتم که در چهار قسمت در وبسایت افغان جرمن آنلاين به نشر رسید. محتوای آن نوشته از بسا جوانب شباهت با رؤس مطالبی دارد که در این مصاحبه اشرف غنی انعکاس یافته است. اشرف غنی خوب میداند که کرزی، عبدالله، خلیل زاد و چند نفر دیگر به شمول خودش همه دست پرورده های امریکا بوده اند که بعدتر سیاسيون امریکا بخصوص در دوره ریاست جمهوری ترامپ، با همه ای آنها بازی مغلفی را به میدان آورد و این دست پرورده های خود را یکی در برابر دیگر قرار داد که همه در مجموع موجب ضعف نظام در افغانستان شدند و در نتیجه اوضاع بجایی رسید که طالبان قدم بقدم در سیطره قدرت قرار گرفتند.

رئیس جمهور بایدن با ادامه سیاست ترامپ و تعیین تاریخ خروج قوای امریکائی از افغانستان، بحران سیاسی را در افغانستان بیشتر از پیش دامن زد و بجای اینکه وضع را با تأنی و تدریجی به سمت معقول بکشاند، برعکس آنرا با عجله بدست طوفان ویرانگر سپرد که نتیجه آنرا اکنون خود می بیند و هرچه میکوشد راهی برگشت و جبران این سیاست ناکام را بجوید، متأسفانه اکنون دیر شده است. امریکا سرنوشت یک ملت مظلوم را که از مدت چهل سال بدینسو در جنگ قدرتها از پا افتاده است، با ناعاقبت اندیشی سیاسی خود به این وضع رقتبار رها کرد و حال میکوشد همه مسئولیت را به گردن چند دست نشانده بیندازد و بر نارسائی های خود به حیث گرداننده همه بازیهای بی لجام در این بیست سال اخیر در افغانستان پرده اندازد.

جای شک نیست که بسیار پروژه ها در زمان جمهوریت شهید محمد داؤد آغاز گردید، ولی کودتای ثور فرصت اكمال آن ها را نداد. در دوره خلق و پرچم و نیز در دوره تنظیمها و طالبان همه مصروف جنگهای قدرت بودند و هیچ یک آنها به اعمار پروژه های انکشافی درکشور توجه نکردند. اشرف غنی میخواست بر قدمهای جمهوری اول و پروژه های ناتمام آنوقت قدم بگذارد که موفق نشد. اینکه او گفته امیدوار است جوانان در اكمال این رسالت قدم بگذارند، حرف درست گفته است.

سازش غنی با عبدالله به دلخواه او نبود، بلکه هر دو بار دیگران آنرا با فشار مستقیم و غیرمستقیم بر او تحمیل کردند و این پلان طرح شده بود. امریکا همیشه میکوشید قدرت یکی را بوسیله دیگری به نفع خود کنترل کند، ورنه چه کسی حاضر خواهد بود که بطور دلخواه رقیب خود را در قدرت شریک سازد.

آوردن طالب ها بقدرت، کار یکی دو روز قبل نبود، اینکار از دو سال قبل که موافقتنامه علنی و سری بین امریکا و طالبان در دوحه امضاء شد، به تدریج صورت گرفت و همه شاهد فشارهای آشکار اداره ترامپ و خاصاً پامپئو وزیر خارجه آن بوده ایم. آنها موقف دولت افغانستان را در این موافقتنامه ضرب صفر کرده بودند و حتی معلومات لازم را برای دولت نمیدادند و تهدید به جایی کشید که گفتند کمک های یک میلیارد دالری خود برای دولت افغانستان قطع میکنند. با وجود این همه تهدیدها و فشارها، اشرف غنی در برابر آنها مقاومت کرد و تسلیم اراده خلیل زاد و اداره ترامپ نگردید، به امید اینکه شاید بایدن برنده ریاست جمهوری باشد و اوضاع تغییر کند. اما وقتی بایدن به این مقام رسید، او همان راه ترامپ را با شدت بیشتر درپیش گرفت و خلیل زاد را بار دیگر مامور پیشبرد همان پلان ناسنجیده ساخت و عاقبت کار به افتضاح کشید.

اشرف غنی فرار کرد و همان روز حتی با تفاوت چند ساعت قوای طالبان (جناح حقانی) ارگ را به تصرف خود درآوردند. اینکه اشرف غنی نخواست از راه جنگ با طالبان پیش برود، آنهم بیشتر به دو دلیل: یکی قوای نظامی در همه جا بوسیله دست های مرئی و نامرئی قبلاً از هم پاشیده بود و قدرت دفاعی وجود نداشت و از طرف دیگر جنگ با طالبان جز ویرانی شهر و کشتار مردم بیگناه نتیجه دیگر بار نمی آورد و احتمالاً منجر به کشته شدن خود غنی نیز میگردد. بهتر است از احساسات بگذریم و قضایا را به نظر واقع بینانه و منصفانه بنگریم.

مشکل اشرف غنی در انتخاب همکاران و آنهم تفویض صلاحیت های فوق العاده به چند نفر مجهول الهویه از جمله محب و فضلی و یکی دو نفر دیگر بود که معلوم نیست آنها چگونه به یکبارگی شامل قدرت ساخته شدند. میگویند دست انگلیس ها در اینکار شریک بود و آنها میخواستند بعد از اشرف غنی مهره خود را به قدرت برسانند و به همین دلیل محب در زیر پرده، سازش را با گروه حقانی

آغاز کرد و چند ماه قبل از سقوط رژیم تعدادی از آنها را بصورت مخفی به کابل جا داد و آنها صرف یک ساعت بعد از فرار اشرف غنی با سلاح داخل ارگ شدند.

موضوع دیگر که بسیار مهمه ایجاد کرد، همانا موجودیت مقادیر دالر نقده در ارگ بود که اینکار از دوره کرزی معمول شده بود. این همه دالر از کجا آمده بود و به کدام منظور در خزانه ارگ نگهداری می شد، طوریکه حتی بعد از سقوط ارگ مقدار زیاد دالر در دست محافظان ارگ افتاد و قسمت باقیمانده بدست عناصر حقانی رسید. اگر امروز تیم آقای سوپکو موضوع پول را مورد تحقیق قرار میدهد، باید از همه اولتر از خود امریکائی ها بپرسد که چرا پول نقد را در اختیار ارگ قرار داده بودند؟ آیا کمک ها شخصی بود یا برای دولت افغانستان؟ اگر برای دولت بود، باید به حساب رسمی دولت از طریق وزارت مالیه داخل خزانه دولت میگردید. تحقیقات سیگار باید از همین نقطه آغاز گردد و سپس به پرسش های بعدی پرداخته شود.

اشرف غنی باید به این سؤال جواب گوید که چرا این همه دالره های نقده را در ارگ ریاست جمهوری بدون حساب و کتاب نگهداشته بود؟ این یک مسئولیت بزرگ را متوجه او می سازد که باید برای ملت جواب بگوید. در این ارتباط باز هم موضوع به وزارت مالیه و سرپرست آن وزارت بر میگردد که اشرف غنی، یکی از دوستان خود داکتر همایون قیومی را با وجود فقدان تجربه در امور مالی و نیز با حفظ چندین مصروفیت دیگر رسمی به آن وزارت گماشت. آیا در اینکار سازش هایی بین این مقرری و پولهای ذخیره در ارگ وجود داشت یا چطور؟ اینها همه موضوعات مهمی اند که نباید تحت الشعاع جریانات سیاسی از اهمیت آن کاسته شود و این تحقیق باید از آغاز دوره کرزی تا سقوط اشرف غنی صورت گیرد. این حق ملت است تا این سؤالهای مهم را از همه کسانی بپرسند که اکنون با جنگهای به اصطلاح "زرگری" بارلامتی را یکی برگردن دیگر می اندازند. اشرف غنی در مصاحبه خود مسئولیت اینکار را بدوش مؤسسات کمک دهنده خارجی انداخت که چگونه کمک ها در امور نظامی بدست قراردادی های داخلی و خارجی حیف و میل شد و موجب تشدید فساد در اداره کشور گردید.

آگاهی از تاریخ، چراغ راه آینده است. بدون آگاهی از تاریخ، در واقع در تاریکی گام گذاشتن است. موضوع ورود طالبان یک موضوع روز بوده و تاکنون به تاریخ نپیوسته است و طی این یک سال فقط از یک روی به روی دیگر مثل توتو گوشت بریان چرخانده میشود. آنچه به تاریخ پیوسته است، همانا علل و عوامل این پدیده در ظرف چند سال میباشد که باید بصورت دقیق، منصفانه و واقع بینانه مورد بررسی قرار گیرد و از آن درسهای مهم برای آینده بدست آید. مصاحبه اخیر اشرف غنی راه همچو بررسی ها را باز میکند که امید است بر زوایای تاریک آن بیشتر روشنی انداخته شود و حقایق برای ملت که راه خود را در این مسیر گم کرده است، آشکار گردد.